

۱۶۲۵۷۱۷
شماره درخواست

اسلام و سیاست
در دنیای معاصر

حاج آية الله فاضلى
(عضویت علمی دانشگاه تهران)

مهدي فدایي، م. ا. م.
(عضویت علمی دانشگاه تهران)



نشریات

اسلام و سیاست در دنیای معاصر

نویسندگان: آکیرو ماتسوموتو، جوزف کارلر،

مادلین سلطان، مهدی فدایی مهربانی

مترجمان: حبیب‌اله فاضلی، مهدی فدایی مهربانی

طراح جلد: شادی تاکی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان ۱۰۰

www.nashrefalat.com

عنوان و نام پدیدآور: م.م و سیاست در دنیای معاصر/ نویسندگان آکیرو ماتسوموتو... [و دیگران]؛
حبیب الله فاضلی، مهدی فداایی، مهدی فداایی، مهریانی.
مشخصات نشر: تهران، نشر آیت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: [۲۳] ص
شابک: 978-600-96270-5-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: نویسندگان آکیرو ماتسوموتو، جوزف کازانووا، مائین سالان، مهدی فداایی، مهریانی.
یادداشت: کتابنامه؛ همچنین به صورت زیر نویس.

مندرجات: ص. ۱۷-۵۲. آیت الله خمینی و مفاهیم ولایت و ولایت / آکیرو ماتسوموتو؛ ترجمه مهدی فداایی
مهریانی. ص. ۵۳-۹۰. مذهب، هویت های سکولار و هویت گرایان / جوزف کازانووا؛ ترجمه حبیب الله
فاضلی. ص. ۹۱-۱۰۸. اسلام و سنت گرایی معاصر / مهدی فداایی، مهریانی. ص. ۱۰۹-۱۳۳. اسلام در
سوئد: مطالعه موردی درباره تغییر مذهب در کشور سوئد / مادلین سالان؛ ترجمه حبیب الله فاضلی.
موضوع: اسلام و سیاست -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع: Islam and politics -- Addresses, essays, lectures

موضوع: اسلام و غرب -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع: Islam and the West -- Addresses, essays, lectures *

شناسه افزوده: ماتسوموتو، آکیرو

شناسه افزوده: Matsumoto, Akiro

شناسه افزوده: فاضلی، حبیب الله، ۱۳۶۰-، مترجم

شناسه افزوده: فداایی، مهریانی، مهدی، ۱۳۶۱-، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۵۱۷ الف ۲۳۱ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۹۶۶۳۶

فهرست

- درآمد ۷
- آیت الله خدیني مقام م ولايت و ولايت ۱۹
(آکيرو ماتسوموتو/ سي فاني مهرباني)
- مذهب، هويت هاي سکولار و همگرا و اروپا ۵۵
(جوزف کازانوا/ حبيب اله فاضلي)
- اسلام و سنت گرایی معاصر ۹۳
(مهدی فدایی مهربانی)
- مطالعه موردی درباره تغییر مذهب در کشور سوئد ۱۱۱
(مادلین سلطان/ حبيب اله فاضلي)

تاریخ هویتی دموکراسی های لیبرال: اما نایب الکان تعامل اسلام و غرب

من چگونه آدمی هستم؟ من چگونه نظامی هستم؟ پاسخ به این پرسش جاودانه و همیشگی معرزه ریت اخلاقی یک نظام سیاسی یا فرد است. تمامی نظام های سیاسی و دیران، ناگزیر به مواجهه با این پرسش مهم اند و حتی اگر در ظاهر برای فوار از پیامدهای آن از پاسخ صریح به آن بگریزند اما «در درون» یا «در عمل» پاسخی برای آن در آستین دارند. نظام های سیاسی مکتبی (با تسمیه اشاره به نظام های سیاسی که نسبتی مستقیم و مثبت با روشنگری ندارند) اعم از مکاتب زمینی تا آسمانی، از کنفوسیوسسیسم تا اسلام سیاسی پاسخی خاص به پرسش هویت ساز بالا دارند و از چشم انداز خود

فرد، اخلاق، حقوق و هویت اخلاقی را تعریف می‌کنند و لذا هویت اخلاقی و بحران‌هایش نیز خاص و متفاوت است، مثلاً چندان میلی به پذیرش معرفی اصول عام اخلاقی ندارند و به صورت کلی در نسبتی انتقادی با آرمان‌های اخلاقی روشنگری قرار می‌گیرند و بر این اساس داوری‌های اخلاقی فرامکتبی را بر نمی‌تابند. چنین مدرن‌ها موضع گروه‌های حقوق بشری علیه خود در قبال اقلیت‌ها و کارگران را ناشی از عدم درک شرایط خاص این کشور، عرف‌های اجتماعی و عقاید انجمنی می‌دانند و داوری‌های اخلاقی را مواضع سیاسی کشورهای رقیب رایج و تبار برپکن تفسیر می‌کنند، این رویکرد در مورد رژیم صهیونیستی به حواله یکی از مکتبی‌ترین نظام‌های سیاسی بیشتر جلوه‌گراست که منکر هر توجه به برابری انتقادات به نقض حقوق فلسطینیان این است که «ما را درک کنید».

به نظر می‌رسد داوری اخلاقی در باب کنش‌های دموکراسی‌های لیبرال یا به عبارت دقیق‌تر دموکراسی‌های بورژوازی آسان‌تر از سایر نظام‌هاست، زیرا از طرفی میل درونی ویژه‌ای به عمومیت بخشی به آرمان‌ها و اصولش دارد و از طرفی هم اینکه چند قبی است که انباشت قدرت و ثروت آن را در موقعیت فرادستی نسبت به سایر نظام‌های سیاسی قرار داده است. به عبارت دیگر، وضعیت فرانسه و سایر دموکراسی‌های لیبرال به گونه‌ای است که هم شعارهایشان بیشتر شنیده شده و هم عملکردشان بیشتر دیده شده است و این امکان فراهم گردیده تا روشنفکران و ذهن‌های نقاد به ارزیابی پاسخی

• درآمد؛ تعارض هویتی دموکراسی های لیبرال •

که آنها به مسأله و چیستی هویت اخلاقی خود داده اند، پردازند. به نظر می رسد که پاسخ به پرسش چیستی و چگونگی هویت اخلاقی به دو گونه مثالی قابل تصور است؛ نخست آنکه اصول اخلاقی (ادعایی - نظری) به درستی و در عمل نیز اجرا و عملیاتی شود که نتیجه آن عرضه نوعی سازواری هویتی و البته با قابلیت دفاع اخلاقی است. دوم آنکه در ظاهر شعار اصول اخلاقی عام سر داده شود یا اصول اخلاقی عام ستایش شوند اما در خلوت و جلوت به کنش های غیره: پدانه پرداخته شود در این صورت نه تنها سازواری وجود نخواهد داشت، بلکه وضعیتی «تعارضی» بین اصول اعتقادی و عملکردها آشکارا شده و بروز می کند.

وجه دیگر پاسخ به مسأله هویت اخلاقی، تلاش برای قرار دادن آن برپاشنه «منفعت گرایی» است و ارزشی کنش ها با عیار «به صرفه بودن» است، بر این اساس دموکراسی ها اجازه می یابند دو نوع ارزش اخلاقی درونی و بیرونی داشته باشند، به عبارت دیگر اجرای برخی اصول اخلاقی را در درون مرزهای ملی خود تحت فشار اجتماعی را به صرفه می دانند و اجرای آن را در بیرون مرزها فاقد منفعت است. به صرفه نمی دانند و این عارضه ای است که به نظر می رسد دموکراسی های لیبرال به آن گرفتار شده اند و دفاع اخلاقی از خود را دشوار ساخته اند و در این راستا است که السدر مکاین تایر فیلسوف سیاسی قرن بیستم تلاش کرده است تا وجوهی از این سرگردانی اخلاقی دموکراسی های لیبرال را بین ملی گرایی و حقوق بشرگرایی تحلیل نماید.

نگارنده بر آن است که کنش‌های سیاسی جوامع اروپایی معاصر و آمریکا در قبال رخداد‌های مهم جهان اسلام به ویژه ظهور تجزیه طلبی قومی، بنیادگرایی دینی و از همه مهم‌تر جریان داعش را تنها با درک تعارض اخلاقی یا بحران اخلاقی گوه‌رین در نهاد «دموکراسی بورژوازی تحقق یافته» می‌توان تحلیل کرد. واقعیت آن است که دموکراسی لیبرال پیش از آنکه با داعش و جریان‌ات بنیادگرا در جنگ باشد، خودش در صلح نیست، اگر داعش هم نبود تعارض روانی دموکراسی با بنیادگرایی به شکل‌های دیگری خود را نشان می‌داد و به اعتبار سخره‌های رایج، می‌توان گفت تا «تمامیت روانی» یا هماهنگی ذهن و عمل رخ نداد تعارض آرامش یا وضعیت مطلوب میسر نخواهد بود. جای حاشا و انکار را نمی‌نماید است که اینک داعش و بوکو حرام با شمشیر و اسب نمی‌جنگند بلکه با پیشرفته‌ترین تجهیزات حمل و نقل تا دوربین‌های دید در شب و سلاح‌ها و موشک‌های پیشرفته‌ای جهان را به چالش کشیده‌اند. دولت‌خانه‌های آن مودیان مالیاتی دموکراسی‌های لیبرال‌اند یا اینکه دولت‌خانه‌های تحت سیطره داعش به راحتی در بازارهای جهان به فروش می‌رسند و.... خلاصه روایت ما این است که دموکراسی‌های بورژوازی معاصر در با خود روراست نیستند و در مقابل پرسش اخلاقی «من چگونه نظامی هستم؟» پاسخ اقناع‌کننده‌ای ندارند. این لکنت زبان و ناتوانی در ارائه پاسخی صریح به مسأله هویت اخلاقی است که دموکراسی‌های بورژوازی را در موضع ضعف قرار داده و به درستی که جان‌اتان گلاور

• درآمد؛ تعارض هویتی دموکراسی‌های لیبرال •

در کتابش «انسانیت: تاریخ اخلاقی قرن بیستم» شرحی کاربردی و انضمامی از این وضعیت عرضه کرده و این ناتوانی در پاسخ صریح به مسأله امر اخلاقی را یکی از علت‌های اصلی در رخداد فجایع قرن بیستم دانسته است. به عبارت دیگر این داعش و جریانات تجدیدنظرطلب دینی نیستند که خواب دولت‌های غربی را آشفته کرده بلکه این بخشی از پیکره دموکراسی‌هاست که با نیمه دیگرش هماهنگ نیست. هم به داعش‌ها به مثابه «بازار» می‌نگرد و بقای آنها را «به صریح» می‌پسند و هم به مثابه دگرارزشی و امنیتی با آن مواجهه اخلاقی و انضمامی پیدا می‌کند.

و اما نکته مهم و بارز آنکه همگان از جمله شهروندان این دولت‌ها به مواضع دوگانه دموکراسی‌های اروپایی نسبت به داعش آگاه‌اند و شعارهای اخلاقی رهبران سیاسی را با لبخند و هجو پاسخ می‌دهند، رویه طنزآلود دیگران است که رهبران نیز از این واقعیت و آگاهی مردم باخبرند و خود را به تجاهل و ابله‌بازی زده‌اند. به قول ژیزک شهروندان سلبی مسلک شده‌اند و رهبران «سلبی» مسلک.

شاید مهم‌ترین پیام یازده سپتامبر و سیزده نوامبر فاجعه برای دموکراسی‌های بورژوازی این است که جهان اسلام و خاور میانه «طبیعت» نیستند و با ساده‌انگاری نمی‌توان آن را موضوع دفاع کنش سیاسی خود قرار داد، بلکه اکنون زمان آن است که این مسأله فهم شود که خوشبختی و آسایش (آرمان‌های لیبرالیسم و دموکراسی) هر ملت و فرهنگی نزد ملت‌های دیگر به گروگان است؛

یا امنیت همگان تأمین می‌شود یا هیچ کس امنیت نخواهد داشت، چه در شنگال چه در پاریس.

بدین ترتیب طبیعی است که پارادایم اندیشگی غرب، اراده و علاقه‌اش بر آن است تا هنجارها و مفاهیمش به عنوان نشانگان برتر و احترام نشانگان موازی و رقیب در جهان اسلام پذیرفته شوند و این در حالی است که به موازات پیگیری این هدف گروه‌ها و گفتمان‌های متقدم و محافظه‌کار بیشتری سر برآورده‌اند که مهم‌ترین و نخستین نقطه نزاع است آن‌ها در نپذیرفتن سروری غرب به دلیل وجود دوگانگی نظر-عمل دهرین آن است. توجه به پاشنه آشیل غرب مدرن یعنی بازگونی مس-ن-نظم مختص به جهان اسلام نیست، بلکه بر پژوهندگان غرب مدرن آشکار است که این شکاف و دوگانگی در ظهور و رواج جریان‌ات فکری و سیاسی ضد عقل و روشننگری نقش اصلی را به ویژه پس از انقلاب فرانسه در غرب به عهده داشته‌اند. والتربنیامین در تعبیر قابل تأملی در توصیف پیکره «مدرسان» بر آن است که تمامی اسناد و مدارک تمدن در عین حال اسناد «مارک توحش‌اند». اریک هابسبام قرن بیستم را شرم‌آورترین قرن تاریخ غرب به‌شمرده و جان‌اتان گلاور با یادآوری خامی‌های قرن بیستم تمام تلاشش را بر نقد مدرنیته بالغ شده قرن بیستم این است که بیان کند «این گونه خامی دیگر هرگز». با این اوصاف، تعامل غرب با جهان اسلام چگونه است و یا چگونه باید باشد؟ چگونه می‌توان اندیشمندان و رهبران جهان

• درآمد؛ تعارض هویتی دموکراسی‌های لیبرال •

اسلام را به خوش‌بینی و پذیرش نشانگان دموکراسی‌های بورژوازی قانع ساخت؟ غرب برای اقناع مسلمانان جز اتکا بر تکنولوژی و مهم‌ترین تجلی آن یعنی رسانه و زور چه ابزاری در اختیار دارد؟ این مسأله یعنی نسبت غرب مدرن و جهان اسلام معاصر موضوع کانونی کتاب است؛ دو مقاله «مذهب، هویت‌های سکولار اروپایی و همگرایی اروپا» و «احباب اسلام؛ مطالعه موردی تغییر مذهب در سوئد» کوشیده‌اند تا نگاهی از درون به وضعیت اسلام و مسلمانان در جهان غرب بیندازند و در ادامه «دوم» دیگر «آیت الله خمینی و مفاهیم ولایت و ولایت» و «اسلام و سنت‌گرایی» ماصر نیز به تحلیل و ارزیابی دو جریان منتقد غرب یعنی اسلام‌یاس و سنت‌گرایی می‌پردازند.

کازانووا پژوهشگر برجسته ایتالیایی در مقاله «مذهب، هویت‌های سکولار و همگرایی اروپا» چهار مسأله ولایت‌های مذهبی در اروپا، معضل پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، احیای مسیحیت کاتولیک در حوزه عمومی جوامع اروپایی و مسأله مهاجران به مثابه دشواری‌های جوامع اروپایی بررسی کرده است. نویسنده بر این باور است که جامعه تازه تأسیس اروپایی هنوز تعریف مشخصی از هویت خود عرضه نداشته و مرزهای فرهنگی و جغرافیایی مشخص تعیین شده‌ای ندارد، گذار به هویت جدید اروپایی مستلزم بازنگری در جانی هویتی اروپا و پاسخ به پرسش‌هایی اساسی می‌باشد.

مادلین سلطان استاد دانشگاه اوپسالا در سوئد نیز با اشاره به روند احیای مذهبی در کشور سوئد که از ادیان پاگانی تا اسلام را در بر

می‌گیرد در مقاله اسلام در سوئد به تحلیلی تجربی از نوکیشان مسلمان پرداخته است. ویژگی اساسی نوکیشان مسلمان این است که دین خود را از والدین به ارث نبرده‌اند، بلکه آگاهانه دست به تغییر مذهب و در اینجا انتخاب اسلام زده‌اند. زیست شخصی و جهان‌تصوری این افراد از اسلام جذاب و برای آینده‌شناسی جایگاه ادیان مهم است و این موضوعی است که مادلین سلطان مورد توجه قرار داده است.

آکر استاموتوفیلسوف ژاپنی و استاد دانشگاه سن توماس اوزاکا در مقاله خود که با عنوان «آیت الله خمینی و مفاهیم ولایت و ولایت» منتشر کرده است، منطقی متفاوت به امام را مورد ارزیابی قرار داده است و مفهوم کازاری اندیشه سیاسی امام خمینی یعنی ولایت را متأثر از آموزه‌های عرفانی انسان دانسته است. ماتسوموتو معتقد است اندیشه انقلابی امام خمینی بر اساس فلسفه‌ای عرفانی در باب هستی شکل گرفته است؛ این فلسفه هستی بر جهان‌بینی‌ای عرفانی است که در آثار عرفانی ایشان نمود دارد.

مقاله اسلام و سنت‌گرایی معاصر نیز در درجه نخست به منطق درونی جریان سنت‌گرایی نظر دارد و در درجه بعدی به این می‌پردازد که چه نسبتی میان اسلام و سنت‌گرایی وجود دارد. به طور ویژه مقاله بر شخصیت مهم‌ترین فیلسوف سنت‌گرای معاصر یعنی سید حسین نصر تمرکز دارد و سعی دارد از دل بررسی آرای نصر، جایگاه وی را به عنوان یک فیلسوف مسلمان نشان دهد.

• درآمد؛ تعارض هویتی دموکراسی های لیبرال •

در پایان اشاره به دو نکته ضروری به نظر می رسد؛ نخست آنکه گرچه مقالات پیشرو تمامی تحولات جدید را در بر نمی گیرند اما نویسندگان کوشیده اند تا با اشاره به مبانی معرفت شناختی تحولات رابطه اسلام و غرب مباحث مهم و جذابی را مطرح نمایند و این امریکی از دلایل گردآوری و نشر مقالات در قالب این مجموعه بوده است.

حبیب اله فاضلی

مهدی فدایی مهربانی

رمضان المبارک ۱۴۳۷ مصادف با ۱۳۹۵ هجری خورشیدی

کتابخانه ملی ایران